

رابطه نوع هویت قومی با رفتار سیاسی و ارزش‌های فردی دبیران (مطالعه موردی: دبیران مقطع متوسطه شهرستان کامیاران)

حسین محمدزاده*

نصراله ندیمی**

چکیده

آموزش و پرورش یکی از نهادهای اصلی اجتماعی است که معلمان از کارگزاران اصلی آن به‌شمار می‌روند. این نهاد اصلی خصلتی محافظه‌کارانه در غالب جوامع دارد، اما مشارکت و رفتار سیاسی معلمان در ایران و در سال‌های گذشته هم‌راستا با بازتولید ساختار سیاسی نبوده است. به‌علت ساختار چندقومیتی ایران، رفتار سیاسی معلمان در مناطق قومی ممکن است تحت‌تأثیر هویت قومی قرار گیرد. این هویت هم‌چنین بر موضوعات مهمی از جمله ارزش‌های فردی تأثیرگذار است. ارزش‌های فردی (مادی و فرامادی) از شاخص‌های مهم پویایی اجتماعی است. هدف این تحقیق بررسی رابطه نوع هویت قومی با رفتار سیاسی و ارزش‌های فردی در میان معلمان مقطع راهنمایی شهرستان کامیاران است. مبانی نظری تحقیق ریشه در نظریه رومانو، راش، و اینگلهارت دارد. اجرای تحقیق به روش پیمایشی و شگرد جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه خوداجرا بوده است. جامعه آماری پژوهش دبیران مقطع متوسطه شهرستان کامیاران بوده‌اند. نتایج تحقیق نشان داد متغیرهای جمعیت‌شناسی مانند جنسیت، مذهب، و نوع لهجه با هویت قومی رابطه معناداری دارند. این هویت قومی که از عوامل زمینه‌ای متأثر است با رفتار سیاسی و ارزش‌های فردی معلمان رابطه مثبت و

* دکترای جامعه‌شناسی سیاسی، استادیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
(نویسنده مسئول)، h.mohammadz11@gmail.com

** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دبیر دبیرستان‌های سنندج، n.nadimi2000@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۳



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

معناداری دارد. این تحقیق نشان داد رفتار سیاسی معلمان ممکن است سیاسی باشد یا نباشد و رفتار سیاسی آن‌ها لزوماً قومی نیست.

کلیدواژه‌ها: هویت قومی، مشارکت سیاسی، ارزش‌های فردی، دبیران مقطع متوسطه، کامیاران.

۱. مقدمه و بیان مسئله

آموزش و پرورش از نهادهای اصلی در هر جامعه‌ای است. در ایران آموزش و پرورش میلیون‌ها دانش‌آموز و صدها هزار معلم دارد. به‌رغم این‌که آموزش و پرورش نهادی محافظه‌کار قلمداد می‌شود که در پی بازتولید ساختارهای سیاسی است، معلمان در ایران دارای اتحادیه صنفی‌اند و در روی دادهای سیاسی و اجتماعی نقشی فعال دارند و از دهه‌های گذشته تاکنون بخشی از نیروهای معترض جامعه بوده‌اند. خواست آن‌ها گاه صنفی و غالباً سیاسی بوده است. در این میان، مشارکت و رفتار سیاسی و ارزش‌های فردی معلمان به‌خاطر نقش و جایگاهشان حائز اهمیتی بیش‌ازپیش است. «مشارکت سیاسی به‌معنی سلوک فرد در سطوح مختلف در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی است» (فاضلی و خوشفر ۱۳۸۹: ۱۳۵). رفتار سیاسی گرچه مستقلاً مقوله‌ای درخور توجه است، از بعد نظری در چهارچوب مشارکت سیاسی قرار می‌گیرد (راش ۱۳۸۸). بحث مشارکت سیاسی در همه نظام‌های سیاسی حائز اهمیت است، اما «مشارکت سیاسی یکی از ابعاد توسعه سیاسی است و مظهر نوع خاصی از دموکراسی به نام دموکراسی مشارکتی است» (زاهدی و بیرانوند ۱۳۸۹: ۵۲).

ایران کشوری در حال تغییرات سریع است و این تغییر با سؤالات و مشکلات مختلفی در حوزه ارزش‌ها روبه‌روست. «ازیک‌سو بدنه سنتی جامعه حافظ و نگه‌دار برخی ارزش‌های سنتی است و ازسویی دیگر، بدنه روشن‌فکری معتقد به تغییر و دگرگونی در ارزش‌هاست» (معدنی و خسروانی ۱۳۹۰: ۱۲۴). ارزش‌های فردی (مادی و فرامادی) از شاخص‌های پویایی اجتماعی در میان نسل‌های هر جامعه است. معلمان در جامعه امروز ایران به‌منزله بخشی از طبقه متوسط علاوه‌بر تعلیم و تربیت، در حوزه سیاسی و در تعدیل یا دفاع از ارزش‌های فردی نقشی بسیار گسترده و استثنایی دارند. مشارکت سیاسی بخش زیادی از معلمان در زمینه قومیتی شکل می‌گیرد. «مشارکت سیاسی شهروندان به‌شدت از زمینه‌های اجتماعی و هویت قومی متأثر هستند» (عنبری و قلی‌زاده میرزایی ۱۳۹۶: ۲۸۰).

رابطه نوع هویت قومی با رفتار سیاسی ... (حسین محمدزاده و نصراله ندیمی) ۱۲۷

مسئله قوم و هویت قومی از موضوعات مهم جهانی است، چراکه غالب کشورهای جهان با موقعیت خاص اجتماعی و تاریخی با آن روبه‌رو هستند. مطالعات نشان داده‌اند که «از میان دویست کشور جهان، ۱۱۵ کشور بیش از یک قومیت دارند» (minorities at risk 2009). ساکنان ایران از اقوام مختلف و در نتیجه هویت قومی‌اند و این هویت قومی نقشی جدی در حیات اجتماعی و به‌ویژه رفتارهای سیاسی دارد. ایران کشوری چندقومی است (احمدی ۱۳۷۸؛ جلالی‌پور ۱۳۷۲؛ مقصودی ۱۳۸۰؛ صالحی امیری ۱۳۸۵؛ طایی ۱۳۷۸؛ محمدزاده و خانی ۱۳۹۷؛ Amanolahi 2005)، در نتیجه رفتار سیاسی معلمان چندبعدی و پیچیده‌تر می‌شود.

قومیت و هویت قومی از موضوعات مهم در کل گیتی است. «هویت قومی مجموعه‌ای از معانی است که اشخاص به عضویتشان در یک اجتماع قومی نسبت می‌دهند و آن‌ها را از دیگران متمایز می‌سازد» (Esman 1994: 27). اسمان بر این باور است که «هویت‌های قومی را نمی‌توان با هویت‌های دیگر مقایسه کرد، بلکه به‌همان‌اندازه که هویت قومی سیاسی شود، به‌همان‌اندازه هویت‌های دیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بر آن‌ها تسلط می‌یابد»، به همین دلیل «اگر بخش زیادی از هویت مردم قومی سیاسی شود، آن‌گاه می‌توانیم بگوییم هویت قومی بیش‌ترین تأثیر را بر رفتار سیاسی، ارزش‌ها، و اهداف آن‌ها دارد» (رومانو ۱۴۰۰: ۳۴). نکته بسیار حائز اهمیت این است که قومیت‌ها در درون یک‌سان نیستند (محمدزاده ۱۳۹۰) و تنوع درون‌قومی دارند و به قول اریکسن (Ericson 1993: 13) دارای زمینه‌های گوناگون‌اند. تنوع درون‌قومی باعث نظر‌ها و گرایش‌های متنوع و گاه متضادی در درون هر قومیت می‌شود. به همین خاطر رفتار سیاسی ناشی از این تنوع درون قومی از نظر علمی و مدیریت تضادهای اجتماعی جذابیتی دوچندان می‌یابد.

برخلاف نظر اینگلهارت، نتایج تحقیق عبداللهی و حسین‌بر (۱۳۸۵) در ایران نشان داده‌اند که هویت قومی نه‌تنها با ارزش‌های مادی، بلکه با ارزش‌های دموکراتیک ارتباط معناداری دارد. از نظر اینگلهارت، هویت قومی باعث رفتار سیاسی محدود و به‌عبارت‌مشخص‌تر باعث تشویق رفتارها و ارزش‌های مادی می‌شود. هدف این تحقیق بررسی رابطه هویت قومی با رفتار سیاسی و ارزش‌های فردی معلمان در شهرستان کامیاران است.

۲. پیشینه پژوهش

در باره سه متغیر مدنظر این پژوهش، یعنی هویت قومی، مشارکت سیاسی، و هم‌چنین ارزش‌های فردی پژوهش‌های زیادی انجام شده است که اهم آن‌ها عبارت‌اند از: جلالی‌پور (۱۳۷۲) در تحقیق خویش «بحران و درگیری کردستان» را متأثر از عواملی چون هم‌بستگی کردی، وجود احزاب سیاسی کردستان، درحاشیه قرار گرفتن اقوام کرد، جغرافیای سیاسی، و سیاست ویژه امنیتی دانسته است. احمدی (۱۳۷۸) سه متغیر: دولت مدرن، نظام بین‌المللی، و نقش نخبگان را عامل بروز قوم‌گرایی مؤثر دانسته و در میان این عوامل تأکید بیش‌تری بر نظام بین‌المللی و نقش نخبگان قومی در سیاسی‌شدن اختلافات زبانی و مذهبی دارد. به باور صالحی امیری (۱۳۸۵) این مسئله از اقتضائات محیطی، اجتماعی، و تنوع فرهنگی و قومی در ایران متأثر بوده است. نواح و دیگران (۱۳۸۹) در پژوهشی پیمایشی نشان داده‌اند که محرومیت نسبی با هویت قومی رابطه معناداری دارد. مقصودی (۱۳۸۵) و محمدزاده (۱۳۹۰) عوامل مختلفی را بر هویت قومی اثرگذار دانسته‌اند.

ایجدوگو و دیگران (Icduyqu et al. 1999) عوامل تأثیرگذار بر تقویت هویت قومی و بسیج سیاسی در میان کردها و وجود محیط غیرایمن را در دو بعد مادی (درآمد، دارایی، تحصیلات، بهداشت، و خدمات دولتی) و غیرمادی (زبان و فرهنگ) مورد توجه قرار داده‌اند. لی براون (Lee Brown 2009) در تحقیقی تحت عنوان «زبان مادری و هویت قومی» به این نتیجه رسید که هرچه فرد مهارت بیش‌تری در زبان مادری خود داشته باشد، احساس هویت قومی مثبت‌تری دارد و کسانی که بر زبان مادری خود تسلط دارند درباره هویت خود احساس امنیت بیش‌تری دارند و تصورات بهتری از خود در جهان دارند.

زاهدی و بیرانوند (۱۳۸۹) در تحقیقی پیمایشی که در خرم‌آباد انجام داده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که افرادی که پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین دارند با مشارکت سیاسی مخالفت بیش‌تری داشته‌اند. عبداللهیان و حقگویی (۱۳۸۸) به مطالعه تأثیر مثبت اینترنت در مشارکت سیاسی توجه داشته‌اند. فاضلی و خوشفر (۱۳۸۹) با استفاده از داده‌های پیمایش ملی فرهنگ سیاسی مردم ایران مشارکت سیاسی در استان گلستان را تبیین کرده‌اند. آن‌ها میان دو متغیر «احساس بی‌قدرتی» و «میزان مشروعیت سیاسی نظام سیاسی نزد افراد» رابطه یافته‌اند.

کاستوریانو و اسکادر (Kastoryano and Schader 2014) در مقاله «درک دینامیک‌های مشارکت سیاسی و قومیتی در طول زمان و فضا» به بحث درباره مسائل قومی پرداخته‌اند.

این مقاله روی سه موضوع مهم در پژوهش متمرکز است: یکی این که قومیت را از دیدگاه ادغام می‌بیند؛ دیگری قومیت و وابسته‌های قومی را هم‌چون منبعی برای تحرک و جنبش سیاسی مهاجران و اقلیت‌ها در نظر می‌گیرد؛ و سومی روی ساختارهای فرصت سیاسی‌ای که مشارکت قومی و تحرک جمعی را شکل می‌دهد تمرکز دارد. فیش و دیگران (Fish et al. 2021) در تحقیقی که به روش ترکیبی انجام داده‌اند به بررسی دوستی و اتحاد به مثابه هویت جمعی سیاسی شده و ارتباطش با هویت قومی، ویژگی‌های شخصی، و مشارکت سیاسی-اجتماعی پرداخته‌اند. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که هویت قومی راه‌های متفاوتی برای مشارکت و آگاهی اجتماعی-سیاسی ارائه می‌دهد. هندرسون (Haderson 2007) ضمن تأکید بر مرزهای ایالتی و قومی در مشارکت سیاسی، به سنخ‌شناسی رفتار سیاسی و رابطه آن با نوع وابستگی قومی-ایالتی در آمریکا پرداخته است. به‌باور او مرزهای محلی و قومی بهتر از بافت و زمینه کلی جامعه نوع رفتار سیاسی افراد را تبیین می‌کند. الازار (Elazar 1996) معتقد است که نوع رفتار سیاسی افراد با چگونگی عملکرد دولت و مقامات حکومتی و هم‌چنین هویت قومی و مذهبی رابطه دارد (Zoellick 2000: 34). ناندی و پلات (Nandi and Plat 2018) در مقاله‌ای تحت عنوان «رابطه میان سیاست و هویت قومی در میان اکثریت و اقلیت در بریتانیا» به این نتیجه رسیدند که در میان اکثریت‌های قومی، زنان از لحاظ هویت قومی سیاسی در رده پایین‌تری از مردان هم‌گروه خود قرار دارند، اما در میان اقلیت‌های قومی این زنان هستند که از لحاظ هویت قومی سیاسی در رده‌های بالاتری از مردان هم‌گروه خود قرار دارند.

در جمع‌بندی می‌توان گفت که درباره هویت قومی، رفتار سیاسی و ارزش‌های فردی تحقیقات گسترده و عمیقی انجام شده است، اما هیچ‌کدام از آن‌ها به رابطه میان نوع هویت قومی مدنظر دیوید رومانو و مشارکت سیاسی و ارزش‌های فردی نپرداخته‌اند. بدین‌منظور این تحقیق در میان معلمان یکی از شهرستان‌ها که دارای تنوع قومی است انجام شده است.

۳. مبانی نظری

در بحث نظری ما به سه مطلب توجه داریم: هویت قومی، رفتار سیاسی به مثابه نوعی مشارکت سیاسی، و ارزش‌های فردی. درباره هویت قومی محققان خارجی و داخلی تحقیقات نظری عدیده‌ای را انجام داده‌اند و نقش عوامل سیاسی، فرهنگی، و اجتماعی-اقتصادی در

آن دیده شده است. در این جا قصد ما یادآوری این تحقیقات نیست، بلکه نوع هویت چهارگانه‌ای است که رومانو انجام داده است. در بخش ارزش‌های فردی، نظریه اینگلهارت را مدنظر قرار می‌دهیم و در بخش رفتار سیاسی، رابطه هویت و مشارکت سیاسی در نگاه مایکل راش را در نظر داریم.

از نیمه دوم قرن بیستم به بعد در حوزه علوم اجتماعی اندیشمندان زیادی درباره تعاریف هویت و هویت قومی و قوم‌گرایی بحث کرده‌اند و هرکدام از آن‌ها تعاریف متفاوتی از این مقوله‌ها و همچنین درباره تأثیر هویت قومی و قوم‌گرایی در جهان معاصر ارائه داده‌اند؛ به گونه‌ای که بسیاری از آن‌ها بر این باورند که هویت‌های قومی و مذهبی در هزاره سوم مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده تغییرات جهان اجتماعی است و کارکردهای مختلفی دارد.

قومیت به دیدگاه‌ها و شیوه‌های عمل فرهنگی اطلاق می‌شود که اجتماع معینی از مردم را متمایز می‌کند. اعضای گروه‌های قومی از نظر فرهنگ خود را با گروه‌بندی‌های دیگر در جامعه متمایز می‌دانند و دیگران نیز آن‌ها را همین‌گونه در نظر می‌گیرند. برای تشخیص گروه‌های قومی از یک‌دیگر از ویژگی‌های مختلف بسیاری می‌توان استفاده کرد، اما معمول‌ترین آن‌ها عبارت است از زبان، تاریخ یا تبار (حقیقی یا خیالی)، مذهب و شیوه‌های لباس پوشیدن و آرایش (گیدنز ۱۳۸۶: ۲۷۸).

آنتونی اسمیت «شش ویژگی قوم را چنین برمی‌شمارد: نام جمعی، اسطوره نیای مشترک، تاریخ مشترک، فرهنگ مشترک در میان اعضای گروه قومی که آن‌ها را از دیگر گروه‌ها متمایز می‌سازد و پیوند با یک سرزمین خاص و نوع هم‌بستگی» (به نقل از مرشدی‌زاده ۱۳۷۹: ۲۰۰). به نظر برتون، درباره اقوام، ما با اطلاعات تحریف‌شده‌ای روبه‌رویم که دولت‌ها به وجود می‌آورند «تا ملت‌های به رسمیت شناخته‌شده را به مقام بالایی برسانند و به این ترتیب سبب شوند که نوعی هم‌بستگی میان دولت‌ها بتواند از آن‌ها دفاع کند و در همان حال گروه‌های کوچک قومی و ناشناخته را به فراموشی سپارند» (برتون ۱۳۸۰: ۱۶۰).

مهم‌ترین کارکرد هویت ایجاد هم‌بستگی و همانندی است. این همانندی و هم‌بستگی به دو عنصر یعنی تعریف ما از خود و هم‌چنین تعریف ما از دیگران بستگی دارد و هویت در هر سطحی در مقابل «غیر» یا دیگری تعریف می‌شود.

رابطه نوع هویت قومی با رفتار سیاسی ... (حسین محمدزاده و نصراله ندیمی) ۱۳۱

یکی از ویژگی‌های هویت چندلایه بودن آن است (مانند منظومه شمسی) که فرد در مرکز منظومه قرار دارد و لایه‌های هویت چون مدارهای آن هست. برخورداری از هویت منسجم سبب می‌شود تا فرد نسبت به وقایع و حوادث اطراف خود موضع واحدی با در دست داشتن معیارهای واحدی در پیش بگیرد (حاجیانی ۱۳۷۹: ۱۹۵-۱۹۶).

دیوید رومانو (۱۴۰۰) در کتاب خود به نام *جنبش‌های ناسیونالیسم کردی* افراد را از لحاظ هویت قومی به چهار دسته تقسیم می‌کند:

۱. هویت فردی غیرسیاسی: عده‌ای که خارج از گروه قومی قرار دارند؛ این عده نمی‌توانند خود را با گروه قومی بشناسند، یا به عبارتی گروهی از افراد که هیچ‌گونه هویت قومی ندارند و در هویت اکثریت آسمیله (هم‌گون‌سازی فرهنگی) شده‌اند و هیچ‌گونه تبعیض و محرومیت قومی را از جانب گروه اکثریت حاکم احساس نمی‌کنند.

۲. هویت فردی سیاسی: عده‌ای که در داخل گروه قومی هستند، اما خود را با گروه قومی نمی‌شناسند؛ یعنی هویت فردی دارند، ولی با گروه احساس هم‌بستگی نمی‌کنند. به عبارت دیگر، گروهی که هویت قومی دارند، اما آن هویت در حد فردی است و عنصر ذهنی قومی در آن‌ها به وجود نیامده و به صورت افرادی جدا از گروه، هویت قومی انفرادی دارند. به عبارتی افراد قومی متمایز شده‌اند.

۳. هویت قومی غیرسیاسی: عده‌ای که به صورت گروهی به هویت قومی دست یافته‌اند و با دیگر افراد متعلق به قوم خود احساس هم‌بستگی می‌کنند. اینان احساس تبعیض می‌کنند، اما این نوع تبعیض‌ها از نوع اقتصادی و اجتماعی است که برای آن مبارزه می‌کنند.

۴. هویت قومی سیاسی: اینان بیش‌ترین حد هم‌بستگی قومی دارند و این گروه احساس تبعیض اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و البته «سیاسی» می‌کنند و سقف مطالبات آن‌ها از گروه‌های یادشده بالاتر است و خواهان حقوق برابر و فرصت‌های هم‌سان با سایر گروه اکثریت، به‌ویژه از لحاظ سیاسی‌اند (رومانو ۱۴۰۰: ۳۳).

موضوع اصلی اینگلهارت در مشارکت سیاسی «ارزش‌های ابراز وجود» یا «ارزش‌های رهاینده» است. ارزش‌های ابراز وجود یا رهاینده گونه‌ای از فرهنگ سیاسی در نظر گرفته

می‌شوند که مستعد دموکراسی‌اند. به نظر وی، اصلی‌ترین عامل گذار به دموکراسی در کشورهای غیردموکراتیک و تحکیم آن در کشورهای دموکراتیک رشد ارزش‌های ابراز وجود است که در فرایند توسعه اقتصادی ظهور می‌کنند. این ارزش‌ها شامل شاخص‌های استقلال، ارزش‌های فرامادی گرایانه، نگرش به برابری جنسیتی، و دموکراسی است. ارزش‌های ابراز وجود دربردارنده تأکید فرامادی گرایانه بر آزادی فردی و سیاسی، فعالیت‌های معترضانة شهروندان، تساهل به آزادی دیگران، و تأکید بر رفاه ذهنی‌اند که در زندگی منعکس می‌شود (Inglehart and Welzl 2010: 132).

درواقع اینگلههارت ارزش‌ها را به دو نوع مادی و فرامادی تقسیم می‌کند. نظریه او بر دو فرضیه کم‌یابی و اجتماعی شدن متکی است. در فرضیه کم‌یابی عناصری از نظر ذهنی ارزش‌مندند که عرصه آن‌ها کم است. فرضیه اجتماعی شدن بر ارزش‌هایی متکی است که در دوران فرهنگ‌پذیری به ذهن فرد منتقل می‌شود. درواقع تغییر ارزش‌ها در فرایندی تاریخی صورت می‌گیرد و ارزش‌های فردی و اجتماعی یک‌شبه تغییر نمی‌کند. هم‌چنین این تغییرات بایستی در سطحی وسیع و درمیان نسل‌ها ایجاد شود (اینگلههارت ۱۳۷۳: ۸۸).

به نظر راش (۱۳۸۸: ۱۲۳) نظریه مشارکت سیاسی با نظریه‌های مهمی مثل نظریه نخبگان و کثرت‌گرایان در ارتباط است. درحالی‌که نخبه‌گرایان مشارکت سیاسی را به نخبگان محدود می‌کنند، کثرت‌گرایان آن را در جامعه پخش می‌کنند و از نظر آن‌ها مشارکت مهم‌ترین رفتار سیاسی است، چراکه عامل مهمی در تبیین توزیع قدرت و سیاست‌هاست.

پیرفیت (Peyrefitte) در دیباچه اثر جمعی و مشارکت سیاسی چیست می‌نویسد: مشارکت، مشارکت داده‌شدن قبل از تصمیم‌گیری است، به‌نحوی که اظهارنظر شخصی و اعمال مراقبت در این تصمیم و تحول نتایج آن امکان داشته باشد. یک قرن و اندی سال پیش جان استوارت میل نوشت: فقط حکومتی می‌تواند جلودار همه ضرورت‌های اجتماعی باشد که همه افراد ملت با آن مشارکت داشته باشند.

مدارک و شواهد فراوان و گسترده‌ای وجود دارند که نشان می‌دهند مشارکت سیاسی در همه سطوح براساس پایگاه اجتماعی-اقتصادی، تحصیلات، شغل، جنسیت، سن، مذهب، قومیت، ناحیه محل سکونت، شخصیت، و محیط سیاسی که در آن مشارکت دارد متغیر است (راش ۱۳۸۸: ۱۳۱).

۴. چهارچوب نظری پژوهش

متغیرهای تأثیرگذار بر تعیین نوع هویت قومی بسیار متنوع و چندبعدی‌اند. هم‌چنین شواهد زیادی وجود دارد که هویت قومی افراد تأثیر به‌سزایی در نوع رفتار سیاسی و هم‌چنین تعیین نوع ارزش‌های موردعلاقه آن‌ها دارد. ما در این پژوهش در چهارچوب نظریه دیوید رومانو نوع هویت فرد را تعیین و تأثیر آن را بر رفتار سیاسی افراد مشخص می‌کنیم؛ همین‌طور تأثیر نوع هویت قومی را رفتار سیاسی براساس نظریه مایکل راش و هم‌چنین بر ارزش‌های موردعلاقه فرد باتوجه به نظریه رونالد اینگلههارت تعیین می‌کنیم.

دیوید رومانو (۱۴۰۰) در کتاب خود به نام *جنبش‌های ناسیونالیسم کردی* افراد را از لحاظ هویت قومی به چهار دسته تقسیم می‌کند که عبارت‌اند از:

۱. هویت فردی غیرسیاسی؛

۲. هویت فردی سیاسی؛

۳. هویت قومی غیرسیاسی؛

۴. هویت قومی سیاسی.

اهمیت دیدگاه رومانو در این است که افراد هر قوم هویت واحد ندارند، بعضی اصولاً سیاسی نیستند، بعضی سیاسی‌اند، اما برای اهداف قومی کار نمی‌کنند، بعضی قوم‌گرا هستند، اما خواست آن‌ها فرهنگی و نه سیاسی است. این نویسنده بعد از سنخ‌شناسی نوع هویت قومی، رابطه آن را با میزان مشارکت سیاسی بدین‌گونه تحلیل کرده است:

الف: گروه اول با دیگر افراد گروه قومی خود احساس هم‌بستگی نمی‌کنند و بیش‌تر خود را در گروه اکثریت می‌شناسند؛ به عبارتی در گروه اکثریت آسمیله شده‌اند و تبعیضی از طرف اکثریت احساس نمی‌کنند، لذا مشارکتی سیاسی هم‌چون اکثریت دارند، یعنی بیش‌ترین حد مشارکت سیاسی را در مقایسه با سه گروه دیگر، که در بالا نام برده شد، دارند.

ب: در گروه دوم و سوم میزان مشارکت در حد متوسط است. سطح مطالبات اینان در حد مطالبات اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی است و تبعیض احساس شده از طرف آن‌ها تبعیض‌های اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی است، نه سیاسی.

ج: گروه چهارم گروهی‌اند که کم‌ترین حد مشارکت سیاسی را دارند. سقف مطالبات اینان از سه گروه قبلی بسیار بیش‌تر و با آنان متفاوت است؛ گروه قومی

سیاسی شده مطالباتی درحد دخالت‌های سیاسی، حکومت‌داری و بعضی مواقع استقلال‌طلبی و حق تعیین سرنوشت خود را دارند و در صورت امکان حتی دست به مبارزات مسلحانه یا دیگر شیوه‌های اعتراض هم چون نافرمانی‌های مدنی، اعتصابات، و تظاهرات می‌زنند.

اینگلهارت ضمن تقسیم‌بندی ارزش‌ها به دو دسته ارزش‌های مادی و فرامادی معتقد است که نظریه مادی- فرامادی بر دو فرض اساسی استوار است. فرضیه کم‌پایی؛ که در آن اولویت فرد بازتاب محیط اقتصادی و اجتماعی اوست، به نحوی که شخص بیش‌ترین ارزش ذهنی را به آن چیزهایی می‌دهد که عرضه آن‌ها نسبتاً کم است. فرضیه اجتماعی‌شدن؛ که در آن ارزش‌های اصلی شخص تا حد زیادی بازتاب اوضاع حاکم در سال‌های قبل از بلوغ است (اینگلهارت ۱۳۷۳). طبق یافته‌های اینگلهارت، اعتماد به یک‌دیگر همانند رضایت خانوادگی و خوشبختی با سطوح نسبتاً بالای توسعه اقتصادی متناسب است. رضایت از زندگی، رضایت سیاسی، اعتماد به دیگران، میزان زیاد بحث سیاسی، و حمایت از نظم موجود همه با هم همراه‌اند. آن‌ها نشانگان نگرش مثبت را به جهانی که در آن زندگی می‌کنیم تشکیل می‌دهند. به نظر او سطوح نسبتاً پایین انتشار رضایت و اعتماد موجب می‌شود که شخص به احتمال زیاد نظام سیاسی موجود را نپذیرد (اینگلهارت ۱۳۷۳: ۴۱).

به نظر اینگلهارت فرامادیون بنابه دلایل زیر مشارکت سیاسی غیرمتعارف‌تری از مادیون دارند:

۱. مادیون به ارضای نیازهای طبیعی و آنی بیش‌تر تمایل دارند، اما فرامادیون بیش‌تر انرژی روانی خود را برای فعالیت‌های عالی‌تر سرمایه‌گذاری می‌کنند. به همین دلیل ممکن است به‌گونه وسیعی به فعالیت‌هایی که سیاست یکی از آن‌هاست روی آورند.

۲. فرامادیون به‌مثابه اقلیت رشدیابنده‌ای، که عالی‌ترین اولویت‌هایشان ناچیز انگاشته می‌شود، از نظم اجتماعی موجود رضایت ندارند.

۳. جدایی و ازدست‌دادن دارایی، که ممکن است حاصل واکنش سیاسی غیرمتعارف باشد، برای فرامادیون کم‌تر منفی به نظر می‌رسد، زیرا آن‌ها چیزهایی را تهدید تلقی می‌کنند که فرامادیون اهمیت کم‌تری به آن‌ها می‌دهند (اینگلهارت ۱۳۷۳: ۱۳۵۱-۱۳۵۲).

رابطه نوع هویت قومی با رفتار سیاسی ... (حسین محمدزاده و نصراله ندیمی) ۱۳۵

به نظر مایکل راش (۱۳۸۸) مشارکت سیاسی، درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی است. لستر میلبرات (1965) سلسله‌مراتبی از مشارکت را مطرح کرده است که از عدم درگیری تا گرفتن مقام رسمی دولتی تغییر می‌کند و پایین‌ترین سطح مشارکت واقعی رأی‌دادن در انتخابات است و بر همین اساس مردم آمریکا را به سه دسته تقسیم می‌کند:

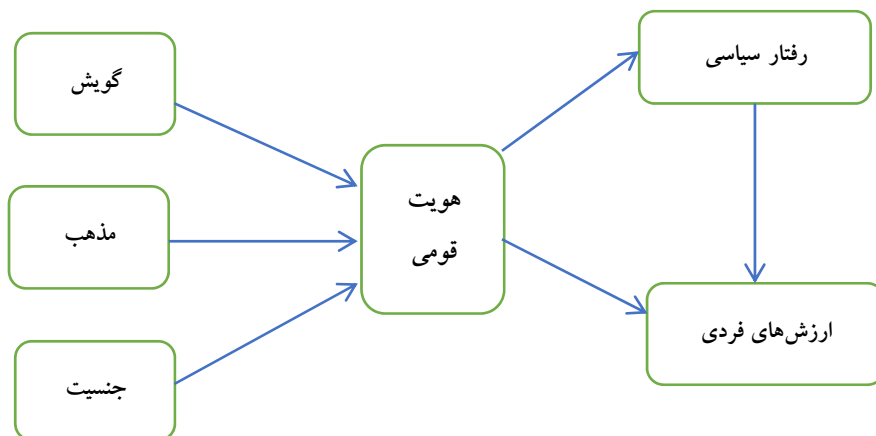
گلا دیاتورها: کسانی که غالباً در سیاست فعال‌اند (۵ تا ۷ درصد)؛

تماشاگران: کسانی که کم‌ترین درگیری در سیاست دارند (در حدود ۶۰ درصد)؛

بی تفاوت‌ها: کسانی که در سیاست درگیر نمی‌شوند (در حدود ۳۳ درصد)

(راش ۱۳۸۸: ۱۲۴).

در مدل نظری تحقیق، که از مبانی نظری و زمینه تحقیق درآمده است (شکل ۱)، حدس ما این است که گرایش به هویت قومی معلمان از عواملی مثل گویش، جنس، و مذهب متأثر است، اما این مسئله اصلی ما نیست. می‌خواهیم این رابطه را با نوع هویت قومی (چهار نوع) بسنجیم، سپس رابطه آن‌ها را با رفتار سیاسی و ارزش‌های فردی بیازماییم. همچنین حدس ما این است که رفتار سیاسی با ارزش‌های فردی ارتباطی معنادار دارد، چون مشارکت سیاسی از اجتماعی شدن متأثر است (راش ۱۳۸۸: ۱۲۳) و اجتماعی شدن از متغیرهای مدنظر اینگلهارت (۱۳۷۳) در مسئله ارزش‌هاست. بر همین اساس شش فرضیه ذیل را استخراج کرده‌ایم:



شکل ۱. مدل نظری پژوهش

۵. فرضیه‌های پژوهش

۱. به نظر می‌رسد بین جنسیت و نوع هویت قومی تفاوت وجود دارد.
۲. به نظر می‌رسد که بین گویش (سورانی، کلهری، و اورامی) و نوع هویت قومی تفاوت وجود دارد.
۳. به نظر می‌رسد بین مذهب (تسنن و تشیع) و نوع هویت تفاوت وجود دارد.
۴. به نظر می‌رسد میان نوع هویت قومی و شیوه رفتار سیاسی ارتباط وجود دارد.
۵. به نظر می‌رسد میان نوع هویت قومی و ارزش‌های موردعلاقه فرد ارتباط وجود دارد.
۶. به نظر می‌رسد بین شیوه رفتار سیاسی و ارزش‌های موردعلاقه فرد ارتباط وجود دارد.

۶. تعریف متغیرها

هویت قومی: مجموعه‌ای از معانی است که اشخاص به عضویتشان در هر اجتماع قومی نسبت می‌دهند و آن‌ها را از دیگران متمایز می‌سازد که به چهار دسته تقسیم می‌شود:

۱. **هویت فردی غیرسیاسی:** عده‌ای که خارج از گروه قومی قرار دارند؛ این افراد نمی‌توانند خود را با گروه قومی بشناسند.
۲. **هویت فردی سیاسی:** عده‌ای داخل گروه قومی هستند، اما خود را با گروه قومی نمی‌شناسند؛ یعنی هویت فردی دارند، اما با گروه قومی خود احساس هم‌بستگی نمی‌کنند یا به عبارتی هویت قومی متمایز شده دارند.
۳. **هویت قومی غیرسیاسی:** عده‌ای از افرادی که به صورت گروهی به هویت قومی رسیده‌اند و با هم احساس هم‌بستگی می‌کنند، اما مطالبات آن‌ها در حد اقتصادی و اجتماعی است و مطالبات سیاسی ندارند.
۴. **هویت قومی سیاسی شده:** گروهی که هویت قومی آن‌ها سیاسی است و بیش‌ترین احساس هم‌بستگی گروهی و بیش‌ترین مطالبات سیاسی را دارند.

برای سنجش هویت قومی از ۲۴ گویه برمبنای طیف لیکرت استفاده شده است. نمره حداکثر ۱۲۰ و حداقل ۲۴ است. نمره ۲۴ تا ۵۰ برای هویت فردی غیرسیاسی، نمره ۵۱ تا

رابطه نوع هویت قومی با رفتار سیاسی ... (حسین محمدزاده و نصراله ندیمی) ۱۳۷

۷۰ برای هویت فردی سیاسی، نمره ۷۱ تا ۹۰ برای هویت قومی غیرسیاسی، و نمره ۹۱ به بالا برای هویت قومی سیاسی در نظر گرفته شده است.

رفتار سیاسی: به معنی شیوه‌هایی که افراد برای انتخاب رهبران خویش و شرکت مؤثر در فعالیت‌ها و امور اجتماعی و سیاسی در پیش می‌گیرند. رفتار سیاسی به معنی کوشش سازمان‌یافته مردم درباره حکومت و سیاست است. انواع رفتار سیاسی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

الف. رادیکالیسم: کسانی که طرفدار تغییرات بنیادی در نظام‌اند و گاهی طرفدار تحول از راه سرنگونی حکومت فعلی و بنیاد نهادن حکومت جدیدند.

ب. میانه‌رو: کسانی که با ساختار کلی نظام فعلی مشکلی ندارند، اما می‌خواهند با روش اصلاحات مشکلات نظام فعلی را برطرف سازند.

ج. محافظه‌کار: کسانی که طرفدار حفظ وضع موجودند و با هرگونه تغییر در نظام مخالف‌اند.

برای سنجش رفتار سیاسی تعداد هفت گویه طراحی شده است، هفت سؤال بر مبنای طیف لیکرت پنج‌نمره‌ای و یک گویه دو نمره‌ای طراحی شده است. حداکثر نمره ۳۷ و حداقل آن هشت بوده است. کسب نمره هشت تا هجده در ردیف محافظه‌کار، نوزده تا ۲۹ در سنخ میانه‌رو، و نمره ۳۰ تا ۳۷ در گروه رادیکال قرار گرفته‌اند.

ارزش: عبارت است از اعتقاد کلی فرد درباره رفتارهای مطلوب و نامطلوب، اهداف یا حالت‌های غایی یا یک نوع درجه‌بندی، امتیازبندی پدیده‌ها از خوب تا بد یا از مثبت تا منفی که در این جا ما آن‌ها را به سه دسته ارزش‌های مادی، فرامادی، و التقاطی تقسیم می‌کنیم.

ارزش‌های مادی: بیش‌تر بر امنیت اقتصادی و جانی و هم‌چنین اهداف کوتاه‌مدت تأکید دارند.

ارزش‌های فرامادی: بر خواسته‌های غیرمادی مانند ابراز نظر، وابستگی به دیگران، رضایت ذهنی، و زیبایی‌شناختی تأکید دارند.

ارزش‌های التقاطی: به خواسته‌های بینابینی بین دو ارزش مادی و فرامادی یا حد متوسط دو ارزش مذکور می‌گویند.

برای سنجش ارزش‌های فوق هشت گویه طراحی شد. نمره‌های چهار گویه یک تا پنج و نمره چهار گویه دیگر یک تا چهار در نظر گرفته شد. نمره حداکثر ۳۶ و نمره حداقل هشت بود. افراد با ارزش مادی نمره هشت تا هفده، ارزش التقاطی هجده تا ۲۷، و ارزش فرامادی ۲۸ به بالا بود.

مذهب: دسته‌ای از باورها و اعمال مربوط به امور لاهوتی است که این باورها و عقاید همه کسانی را که پیرو آنها هستند در اجتماع اخلاقی واحدی به نام امت واحد متحد می‌کند. به مکتب‌های درون هر دین مذهب می‌گویند. سطح سنجش این متغیر اسمی است و با یک سؤال نوع مذهب فرد مشخص شده است؛ پاسخ‌گویان از نظر مذهب پیرو مذهب تشیع یا تسنن‌اند.

زبان: زبان نظامی از اسناد و نوشتار است که مردم خاص کشوری با آن صحبت می‌کنند. به گونه‌ای از طرز تلفظ‌های ویژه گروهی زبانی لهجه می‌گویند. تقریباً در همه زبان‌های جهان گروه‌های گوناگون وجود دارند. مجموعه تلفظ‌های ویژه گروه معمولاً قانونمند و مطابق ضوابط ثابتی صورت می‌گیرد. لهجه مشخص می‌سازد متکلم متعلق به کدام ناحیه (مکانی یا اجتماعی) است. گویش عبارت است از توصیف ویژگی‌های دستوری و واژگانی که وجوه تلفظی را هم در بر می‌گیرد. سطح سنجش این متغیر اسمی است و با یک پرسش از فرد نوع گویش مشخص شده است. پاسخ‌گویان از نظر گویش به سه گویش سورانی، کلهری، و اورامی قابل تقسیم‌اند.

جنس: تقسیم‌بندی فیزیولوژیکی انسان است که به واسطه این خصیصه، محدودیت یا امکاناتی در اختیار فرد قرار می‌گیرد که جهت‌دهنده رفتار، گرایش، و ارزش‌های وی است که در این تحقیق به دو دسته زن و مرد تقسیم می‌شوند.

چون اطلاعات از دبیران مقطع متوسطه به دست آمده است، به صورت پیش‌فرض آن‌ها را در یک طبقه ارزیابی کرده و متغیر اقتصادی-اجتماعی آن‌ها سنجیده نشده است.

۷. روش تحقیق

کامیاران از شهرهای استان کردستان است که حدفاصل سنندج و کرمانشاه قرار دارد. جمعیت این شهرستان براساس «سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵»، برابر ۱۰۲۸۵۶ نفر بوده است. زبان مردم کامیاران کردی است و سه لهجه اورامی، سورانی

رابطه نوع هویت قومی با رفتار سیاسی ... (حسین محمدزاده و نصراله ندیمی) ۱۳۹

(اردلانی)، و کلهری در آن رایج است. غالب افراد ساکن کامیاران سنی و بخشی از آن‌ها پیرو مذهب تشیع‌اند.

روش تحقیق پیمایشی است و داده‌ها به صورت پیمایشی جمع‌آوری شده‌اند. جامعه آماری در این تحقیق همه معلمان مقطع راهنمایی شهرستان کامیاران است که شمار آن‌ها ۲۴۰ نفر در سال ۱۳۹۸ بوده است. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد و حجم نمونه معادل ۱۵۴ نفر به دست آمد.

از آن‌جاکه اسامی معلمان در آموزش و پرورش کامیاران موجود بود، نمونه‌گیری تصادفی ساده برای انتخاب نمونه‌ها در نظر گرفته شد. برای این منظور اعداد یک تا ۲۴۰ به معلمان اختصاص داده شد. با روش قرعه‌کشی ۱۵۴ شماره استخراج شد. از آن‌جاکه یکی از پژوهش‌گران خود معلم آموزش و پرورش کامیاران بود و با آموزگاران و نشانی آن‌ها آشنایی داشت، پرسش‌نامه در اختیار آن‌ها قرار گرفت. پرسش‌نامه را خود معلمان و در سال تحصیلی ۹۸-۹۹ تکمیل کردند.

شگرد جمع‌آوری اطلاعات در این مطالعه از طریق پرسش‌نامه بود. در مرحله اول اعتبار صوری پرسش‌نامه را استادان علوم اجتماعی و رفتاری دانشگاه پیام‌نور کامیاران تعیین کردند. سپس برای سنجش پایایی تعداد سی پرسش‌نامه به صورت تصادفی در میان معلمان تکمیل شد و آزمون آلفای کرونباخ به کار رفت. ضریب آلفای کل سه متغیر نوع هویت قومی، رفتار سیاسی، و ارزش‌های فردی به دست آمد و چون ضریب آن بالای ۰/۷۵ بود، پایایی پرسش‌نامه تأیید شد. پس از جمع‌آوری داده‌ها، آن‌ها را وارد محیط spss کردیم و اطلاعات توصیفی با استفاده از فراوانی و داده‌های دومتغیره با استفاده از شگردهای استنباطی استخراج شد. برای تحلیل چندمتغیره از رگرسیون خطی استفاده شد.

۸. یافته‌های توصیفی

درصد گویش پاسخ‌گویان سورانی، کلهری، و اورامی به ترتیب ۷۶،۹، ۱۳،۸، و ۹،۴ بوده است. ۸۶،۹ درصد پیروان اهل سنت و ۱۳،۱ درصد پیرو مذهب تشیع بوده‌اند. ۷۰ درصد پاسخ‌گویان مرد و ۳۰ درصد زن بودند. نتایج تحلیل تک‌متغیر نشان می‌دهد که میزان نوع هویت قومی در میان جامعه آماری مورد مطالعه بدین قرار است: هویت فردی غیرسیاسی صفر درصد، هویت فردی سیاسی ۱۷،۵ درصد، هویت قومی غیرسیاسی ۴۸،۱ درصد، و

هویت قومی سیاسی ۳۴٫۴ درصد است. هم‌چنین نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که بین نوع هویت قومی مرد و زن تفاوت بدین قرار است: هیچ‌کدام از این دو گروه دارای هویت فردی غیرسیاسی نیستند، ۱۲/۳ درصد از مردان دارای هویت فردی سیاسی، ۴۷/۳ درصد دارای هویت قومی غیرسیاسی، و ۳۹/۳ درصد دارای هویت قومی سیاسی‌اند و درمقابل برای زنان ۲۷/۱ درصد دارای هویت فردی سیاسی، ۵۰ درصد دارای هویت قومی غیرسیاسی، و ۳۰ درصد دارای انواع هویت قومی سیاسی‌اند. به‌عبارتی مردان از زنان سیاسی‌ترند، گویش‌وران اورامی بیش از سورانی و سورانی بیش از کلهری سیاسی‌اند. در این میان پیروان اهل سنت حدود ۴۰ درصد قومی سیاسی بودند و شیعیان هیچ‌کدام گرایش قومی سیاسی نداشتند.

رابطه نوع هویت قومی با رفتار سیاسی ... (حسین محمدزاده و نصراله ندیمی) ۱۴۱

جدول ۱. رابطه متغیرهای جمعیت‌شناختی با نوع هویت، رفتار سیاسی، و ارزش‌های فردی

ارزش‌های فردی			رفتار سیاسی			نوع هویت				متغیرها				
						فردی سیاسی	فردی غیرسیاسی	قومی سیاسی	قومی غیرسیاسی				محافظة‌کار	میان‌رو
فرامادی	تعداد	۵۷	۳	۳۷	۶۰	۱۱	۴۳	۵۲	۱۳	۰	مرد	جنسیت		
	درصد	۵۲/۷	۲/۷	۳۴/۰	۵۵/۵	۱۰/۵	۳۹/۸	۴۸/۱	۱۲/۱	۰/۰				
التقاطی	تعداد	۱۷	۹	۷	۲۸	۱۱	۱۱	۲۳	۱۲	۰	زن	جنسیت		
	درصد	۳۷/۵	۱۸/۸	۱۵/۰	۶۰/۰	۲۵/۰	۲۳/۹	۵۰/۰	۲۶/۱	۰/۰				
مادی	تعداد	۶۳	۱۵	۲۰	۸۸	۱۰	۴۳	۶۲	۱۳	۰	سورانی	گوش		
	درصد	۵۳/۰	۱۳/۰	۱۷/۱	۷۴/۸	۸/۱	۳۶/۶	۵۲/۸	۱۰/۶	۰/۰				
فرامادی	تعداد	۴	۷	۰	۹	۱۲	۰	۹	۱۲	۰	کله‌ری		گوش	
	درصد	۱۹/۰	۳۵/۰	۰/۰	۴۳/۲	۵۶/۸	۰/۰	۴۰/۹	۵۹/۱	۰/۰				
التقاطی	تعداد	۹	۱	۵	۸	۲	۱۰	۳	۲	۰	اورامی			گوش
	درصد	۶۲/۲	۶/۱	۳۳/۳	۵۳/۴	۱۳/۳	۶۶/۷	۲۰/۰	۱۳/۳	۰/۰				
مادی	تعداد	۷۱	۹	۲۵	۹۹	۱۰	۵۱	۷۲	۱۱	۰	تسن	مذهب		
	درصد	۵۳/۲	۶/۵	۱۸/۷	۷۴/۱	۷/۲	۳۸/۴	۵۳/۴	۸/۲	۰/۰				
فرامادی	تعداد	۳	۳	۰	۹	۱۱	۰	۶	۱۴	۰	تشیع		مذهب	
	درصد	۱۴/۳	۱۴/۳	۰/۰	۴۳/۲	۵۶/۸	۰/۰	۲۸/۶	۷۱/۴	۰/۰				

نتایج تحلیل تک‌متغیر ارزش نیز نشان می‌دهد که از میان پاسخ‌گویان ۷۰۵ درصد دارای ارزش مادی، ۴۴۰۴۰ درصد دارای ارزش التقاطی، و ۴۸۰۱ درصد دارای ارزش فرامادی بودند. هم‌چنین نتایج این جدول بیان‌گر آن است که بین نوع ارزش‌های فردی زنان و مردان تفاوت به‌قرار زیر وجود دارد: در میان مردان ۲/۷ درصد دارای ارزش مادی، ۴۴/۶ درصد دارای ارزش‌های التقاطی، و ۵۳/۲ درصد دارای ارزش‌های فرامادی و در مقابل در میان زنان ۱۸/۸ درصد دارای ارزش‌های مادی، ۴۳/۷ دارای هویت التقاطی، و ۳۷/۵ درصد دارای ارزش‌های فرامادی‌اند. هم‌چنین تحلیل رفتار سیاسی نتایج نشان داد که ۱۵ درصد محافظه‌کار، ۶۸۰۸ درصد میانه‌رو، و ۱۶۰۱ درصد رادیکال‌اند. هم‌چنین نتایج جدول حاکی از آن است که مردان در رفتار سیاسی رویه رادیکال‌تری از زنان در پیش می‌گیرند.

نتایج جدول ۲ رابطه نوع هویت با رفتار سیاسی و ارزش‌های فردی را نشان می‌دهد. همان‌گونه که از نتایج جدول پیداست، کسانی که از لحاظ گرایش به هویت قومی در رتبه بالاتری قرار دارند در نحوه رفتار سیاسی نیز رادیکال‌ترند و هم‌چنین یافته‌های جدول گواه آن است که افراد با نوع گرایش به هویت قومی بیش‌تر تمایل به ارزش‌های فرامادی دارند و برعکس کسانی که در رتبه‌های پایین‌تر گرایش به هویت قومی قرار دارند بیش‌تر دارای هویت مادی‌اند.

جدول ۲. رابطه نوع هویت با رفتار سیاسی و ارزش‌های فردی

ارزش‌های فردی			رفتار سیاسی			متغیرها
فرامادی	التقاطی	مادی	رادیکال	میانه‌رو	محافظه‌کار	
۰	۰	۰	۰	۰	۰	فردی غیرسیاسی
۷/۱	۷۵	۱۷/۹	۱۶	۳۱/۸	۵۲/۲	فردی سیاسی
۴۴/۱	۵۰/۶	۵/۲	۲۱	۶۱/۵	۱۷/۵	قومی غیرسیاسی
۷۴/۵	۲۰	۵/۵	۷۳/۶	۲۶/۴	۰	قومی سیاسی

۹. یافته‌های تبیینی

نتایج آزمون فرضیه‌ها در جداول ۳ و ۴ و براساس سطح سنجش متغیرها، به‌اختصار نشان داده شده است.

رابطه نوع هویت قومی با رفتار سیاسی ... (حسین محمدزاده و نصراله ندیمی) ۱۴۳

فرضیه ۱: باتوجه به جدول مقدار معناداری آزمون leven کم تر از ۰۰۵ است، پس فرض برابری واریانس رد می شود. براساس مقادیر جدول $t=۳/۳$ و در سطح ۰۰۱ معنادار است، در نتیجه میزان تفاوت بین نمره هویت زنان و مردان از لحاظ آماری معنادار است و فرض صفر مبنی بر نبود تفاوت بین این دو گروه رد می شود. این بدان معناست که نوع هویت با جنسیت پاسخ گویان رابطه دارد.

فرضیه ۲: آزمون f که مقدار آن برابر با ۲۹۰۷۹۱ است و در سطح ۰۰۱ معنادار است، نشان می دهد که نوع هویت قومی با نوع گویش های زبان کردی در ارتباط است. براساس نتایج آزمون شفه، میزان هویت قومی کردزبانان با گویش اورامی بیش تر از سورانی و سورانی بیش تر از کلهری است.

جدول ۳. رابطه نوع جنسیت، لهجه، و مذهب با میزان هویت قومی

فرضیه	متغیر مستقل	متغیر وابسته	Leven	t	f	سطح معناداری
فرضیه ۱	جنسیت	نوع هویت	۰۰۳۷	۳/۳	-	۰۰۱
فرضیه ۲	لهجه	نوع هویت	-	-	۲۹۰۷۹۱	۰۰۱
فرضیه ۳	مذهب	نوع هویت	۰۰۲	۱۳/۴۲۸		۰۰۱

فرضیه ۳: باتوجه به جدول ۳ مقدار معناداری آزمون leven کم تر از ۰۰۵ است، پس فرض برابری واریانس رد می شود و براساس مقادیر جدول که $t=۱۳/۴۲۸$ و در سطح ۰۰۱ معنادار است، نشان می دهد نوع مذهب با نوع هویت قومی در ارتباط است و میزان گرایش به هویت قومی در میان کردهای اهل سنت بیش تر از کردهای شیعه است.

فرضیه ۴: آزمون f نشان می دهد میان نوع هویت قومی فرد با رفتار سیاسی او رابطه معناداری وجود دارد، اما ضریب کرامر نشان می دهد که شدت این رابطه متوسط است. هم چنین مقدار آزمون پیرسون نشان می دهد که همبستگی بین نوع هویت قومی و رفتار سیاسی بسیار قوی است. در نتیجه ما می توانیم فرضیه صفر را در این نمونه رد کنیم. این بدان معناست که افرادی که گرایش به هویت قومی بالایی دارند در رفتار سیاسی رویکرد رادیکال تری اتخاذ می کنند و کسانی که گرایش به هویت قومی ضعیفی دارند در رفتار سیاسی رویکردی محافظه کارانه تر در پیش می گیرند.

جدول ۴. رابطه نوع هویت قومی با رفتار سیاسی و ارزش‌های فردی

فرضیه	متغیر مستقل	متغیر وابسته	فی	کرامر v	سطح معناداری
فرضیه ۴	نوع هویت قومی	رفتار سیاسی	۰/۷۳۱	۰/۵۱۷	۰/۰۰۱
فرضیه ۵	نوع هویت قومی	نوع ارزش	۰/۴۹۳	۰/۳۴۹	۰/۰۰۱
فرضیه ۶	رفتار سیاسی	نوع ارزش	۰/۳۲	۰/۲۲۶	۰/۰۰۱

فرضیه ۵: آزمون فی نشان می‌دهد بین نوع هویت قومی فرد با ارزش‌های موردعلاقه او رابطه معناداری وجود دارد، اما مقدار آزمون کرامر بیان‌گر آن است که شدت این رابطه متوسط است. هم‌چنین مقدار آزمون پیرسون نشان می‌دهد که میزان هم‌بستگی بین نوع هویت قومی و ارزش‌های موردعلاقه فرد متوسط است. این بدان معناست که ارزش‌های موردعلاقه فرد با نوع هویت قومی او در ارتباط است و کسانی که به هویت قومی بالایی گرایش دارند به ارزش‌های فرامادی گرایش بیش‌تری دارند و افرادی که به هویت قومی پایین گرایش دارند به ارزش‌های مادی تمایل دارند.

فرضیه ۶: آزمون فی نشان می‌دهد که بین نوع رفتار سیاسی و ارزش‌های موردعلاقه فرد رابطه معناداری وجود دارد، اما مقدار آزمون کرامر بیان می‌کند که شدت این رابطه ضعیف است. هم‌چنین مقدار آزمون پیرسون نیز نشان می‌دهد هم‌بستگی متوسطی بین این دو متغیر وجود دارد. در نتیجه ما توانستیم فرضیه صفر را در این نمونه رد کنیم. این بدان معناست که نوع رفتار سیاسی با نوع ارزش‌های موردعلاقه فرد در ارتباط است و کسانی که در رفتار سیاسی رویکردی رادیکال‌تر دارند دارای ارزش‌های فرامادی و افرادی که در رفتار سیاسی رویکرد محافظه‌کارانه‌تری دارند دارای ارزش‌های مادی‌اند.

- تحلیل چندمتغیره

برای بررسی تأثیرات هر کدام از متغیرهای این مطالعه، به‌ویژه هویت بر روی رفتار سیاسی، از رگرسیون خطی استفاده شده است. برای این کار دیگر متغیر وابسته از نوع طبقه‌بندی نیست، بلکه نمره کلی پاسخ‌گویان در گویه‌های مخصوص رفتار سیاسی با هم جمع و به‌منزله متغیر فاصله‌ای آماره‌های رگرسیون خطی بر روی آن اجرا شده است. به همین منظور از روش رگرسیون خطی گام‌به‌گام (step wise) استفاده شده است. با توجه به نتایج آزمون در مرحله اول هویت و در مرحله دوم مذهب، متغیرهای مؤثر پیش‌بینی‌کننده رفتار سیاسی وارد شده است. نتایج مربوط به تحلیل رگرسیون چندمتغیره در جدول ۵ آمده است:

جدول ۵. ضرایب تحلیل رگرسیون چندمتغیره رفتار سیاسی

متغیر مستقل	مقدار ضریب f	مقدار R	مقدار ضریب Beta	سطح معناداری	مقدار R Square تجمیعی
هویت قومی	۲۱۰/۸۶۱	۰/۷۵۶	۰/۷۵۶	۰/۰۰۰	۰/۵۷۲
هویت قومی، مذهب	۱۱۷/۳۳۴	۰/۷۷۵	۰/۶۵۱	۰/۰۰۰	۰/۶۰۰

باتوجه به جدول ۵ میزان R رابطه هویت با رفتار سیاسی را در حدود ۰/۷۵۶ نشان می‌دهد که حاکی از رابطه بسیار قوی هویت و متغیر رفتار سیاسی است. متغیر هویت به تنهایی توانسته در حدود ۰/۵۷۲ از تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی کند و در مرحله دوم میزان هم‌بستگی هویت و مذهب با متغیر رفتار سیاسی افزایش یافته است. هم‌چنان‌که مشاهده می‌کنید R از ۰/۷۵۶ به ۰/۷۷۵ افزایش یافته است. این دو متغیر میزان $R^2=60$ داشته‌اند که ۶۰ درصد از تغییرات متغیر رفتار سیاسی توسط این دو متغیر تبیین شده است که باتوجه به میزان R^2 کاملاً پذیرفتنی است.

ضرایب رگرسیون Beta و آماره f مقدار معناداری را نشان می‌دهد. براساس اطلاعات جدول ۶ در مرحله اول مقدار Beta متغیر هویت ۰/۷۵۶ است؛ یعنی به‌ازای هر واحد تغییر در متغیر هویت حدود ۰/۷۵۶ واحد تغییر در متغیر رفتار سیاسی به‌وجود می‌آید و در مرحله دوم با ورود متغیر مذهب مقدار متغیر هویت کمی کاهش یافته است که به‌جای این متغیر ۰/۶۵۱ است.

جدول ۶. ضرایب تحلیل رگرسیون چندمتغیره رفتار سیاسی

متغیر مستقل	مقدار ضریب f	مقدار R	مقدار ضریب Beta	سطح معناداری	مقدار R Square تجمیعی
هویت	۷۲/۵۱۰	۰/۵۶۱	۰/۵۶۱	۰/۰۰۰	۰/۳۱۵

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که بهترین متغیر برای تبیین نوع ارزش موردعلاقه فرد هویت است، باتوجه به میزان آماره $R=0/561$ نشان می‌دهد رابطه میان نوع هویت و ارزش متوسط است. متغیر نوع هویت توانسته است در حدود $R^2=0/315$ از تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی کند؛ یعنی می‌توان گفت که متغیر مؤثر پیش‌بینی‌کننده نوع ارزش‌های فردی «گرایش به هویت قومی» است و دیگر متغیرها تأثیر آن‌چنانی در تعیین ارزش موردعلاقه فرد ندارند.

۱۰. نتیجه گیری

نتایج این تحقیق نکات درخورتوجهی را نشان داد که یکی از آنها رابطه نوع هویت قومی فرد با مذهب اوست. این بدان معناست که مذهب عامل مؤثری بر گرایش به هویت قومی است و در این تحقیق گرایش به هویت قومی پیروان اهل سنت بیش تر از شیعیان بوده است. نتایج این تحقیق با پژوهش محمدزاده (۱۳۹۰) همسوست که مذهب در قوم‌گرایی و نوع آن نقش دارد. در واقع چنان‌که دورکیم مشخص کرده، مذهب عامل انسجام اجتماعی است؛ یعنی در گرایش جامعه آماری معلمان پیروان اهل سنت با شیعیان در موضوع هویت قومی و رفتار سیاسی تفاوت وجود دارد؛ به نوعی که در میان دیران پیرو اهل سنت رفتار سیاسی رادیکال‌تر و گرایش به هویت قومی شدیدتر است.

درعین حال مشخص شد که نوع گرایش فرد با نوع و گرایش هویت قومی فرد رابطه معنادار دارد و در این میان گرایش به هویت قومی در میان کسانی که با گرایش اورامی صحبت می‌کنند بیش تر از کسانی است که با گرایش سورانی و کلهری صحبت می‌کنند و گرایش به هویت قومی افرادی که با گرایش سورانی صحبت می‌کنند بیش تر از افرادی است که با گرایش کلهری صحبت می‌کنند. دلیل این امر این است که اورامی‌ها خود را از نظر فرهنگی متفاوت‌تر می‌بینند و تفاوت فرهنگی بر گرایش و شدت هویت قومی تأثیرگذار است (محمدزاده و دیگران ۱۳۹۱). تحقیقی که در میان کره‌ای‌ها انجام شده است به همین نکته مهم اشاره دارد که میان تسلط به زبان مادری و هویت رابطه معنادار وجود دارد (Lee Brown 2009). اشتنبرگ و دیگران (Steinberg et al. 2008: 238) بر این نکته مهم انگشت نهاده‌اند که در مسئله قومیت نارضایتی سیاسی و فرهنگی مهم‌تر از نارضایتی اقتصادی است.

جنسیت نیز با نوع گرایش به هویت قومی رابطه دارد. به این ترتیب که گرایش به هویت قومی در میان دیران مرد بیش تر از دیران زن است. این نتیجه به نوعی با نظر بشیریه (۱۳۷۴) همسوست که رفتار سیاسی زنان شبیه به مردان است.

باتوجه به نتایج تحقیق مشخص شد که گرایش به هویت قومی متغیر مؤثر در پیش‌بینی نوع رفتار سیاسی شخص است، به گونه‌ای که می‌تواند بیش از نیمی از تغییرات متغیر رفتار سیاسی را پیش‌بینی کند. بعد از گرایش به هویت قومی، متغیر مذهب در پیش‌بینی رفتار سیاسی نقش درجه دوم را دارد.

نتایج تحقیق براساس تقسیم‌بندی دیوید رومانو بسیار حائز اهمیت است. نتایج به ما می‌گوید افراد گوناگون تاحدی دارای آزادی عمل‌اند و اشخاص با هویت قومی خاص لزوماً گرایش به هویت قومی ندارند و این نکته کم‌اهمیتی نیست. درثانی بعضی از افراد نه تنها هویت قومی ندارند، بلکه اصولاً افرادی سیاسی نیستند. در این میان افرادی هستند که انگیزه و تمایل به رفتار سیاسی دارند، اما نه تنها فعالیت آن‌ها در جهت فعالیت قومی نیست، بلکه ممکن است در جهت خلاف آن باشد. مثلاً افرادی در مناطق قومی هستند که به جهان‌وطنی یا به فکر و اندیشه چپ گرایش دارند. در این میان هرچند تحقیقات قبلی بیش از هرچیز بر عامل تبعیض به‌عنوان عامل زمینه‌ساز هویتی تأکید می‌کردند، در این تحقیق مشخص شد عوامل فرهنگی مانند مذهب و گویش هم در این مسئله نقش دارند.

نکته بسیار مهم باتوجه‌به نظریه ارزش‌های فردی اینگلهارت این است که قوم‌گرایی و هویت قومی گرایشی خاص‌گرایانه نیست و افرادی که هویت قومی شدیدتری دارند تمایل به ارزش‌های رهانیده در آن‌ها بیش‌تر است و این یافته موافق نتیجه تحقیق میرزایی (۱۳۹۶: ۶۰) است که در آن مشخص کرده گرایش به قومیت با ملی‌گرایی مدنی هم‌نواست و این یافته مهم خلاف نگرش اینگلهارت به این موضوع است.

نکته بسیار مهم دیگر این است که افرادی که به رفتار سیاسی گرایش دارند گرایش مادی در میان آن‌ها کم است، اما در تاریخ ایران به‌کرات دیده شده که افراد با علاقه مادی به کار سیاسی پرداخته‌اند و این نشانه خوبی نیست. همان‌طور که هانا آرنه گفته است، افرادی که کار سیاسی می‌کنند بایستی دغدغه آزادی داشته باشند. کسانی که دغدغه اقتصادی دارند و کار سیاسی انجام می‌دهند فاجعه خواهند آفرید.

اما در موضوع گرایش به هویت قومی باید این نکته را گفت که گرایش به هویت قومی به‌خودی‌خود مشکل‌آفرین نیست و تنوع قومی در قانون اساسی امری مشروع و مورد تأیید است. آنچه مهم است توجه و مطالعه بیش‌تر در این راستا و رفع نابرابری‌های سیاسی، فرهنگی (زبانی - مذهبی)، و اجتماعی در این زمینه است.

کتاب‌نامه

- احمدی، حمید (۱۳۷۸)، قومیت و قوم‌گرایی در ایران، تهران: نی.
اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران: کویر.

۱۴۸ جامعه‌پژوهی فرهنگی، سال ۱۳، شماره ۱، بهار ۱۴۰۱

اینگلهارت، رونالد و کریستین ولزل (۱۳۸۹)، *نوسازی، تغییر فرهنگی، و دموکراسی*، ترجمه یعقوب احمدی، تهران: کویر.

بشیریه، حسین (۱۳۷۴)، *جامعه‌شناسی سیاسی*، تهران: نی.

برتون، رولان (۱۳۹۸)، *قوم‌شناسی سیاسی*، ترجمه ناصر فکوهی، تهران: نی.

جلایی‌پور، حمیدرضا (۱۳۷۲)، *کردستان و علل تداوم بحران آن پس از انقلاب اسلامی*، تهران: موج تفکر.

حاجیانی، ابراهیم (۱۳۷۹)، «تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه»، فصل‌نامه مطالعات ملی، س ۲، ش ۵.

راش، مایکل (۱۳۸۸)، *جامعه و سیاست*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: سمت.

رومانو، دیوید (۱۴۰۰)، *جنبش‌های ناسیونالیسم کردی*، ترجمه عمر فیضی، سندج: مادیار.

زاهدی، محمدجواد و علی بیرانوند (۱۳۸۹)، «پایگاه اجتماعی - اقتصادی و نگرش به مشارکت سیاسی»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۱۱، ش ۲.

صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۵)، *مدیریت منازعات قومی در ایران*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

طائی، علی (۱۳۷۸)، *بحران هویت قومی در ایران*، تهران: شادگان.

عبداللهیان حمید و احسن حقگویی (۱۳۸۸)، «تبیین رابطه کاربردی اینترنت و مشارکت سیاسی در ایران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۱۰، ش ۴.

عبداللهی محمد و محمدعثمان حسین‌بر (۱۳۸۵)، «هویت جمعی و نگرش به دموکراسی در ایران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۷، ش ۴.

عنبری، موسی و حامد قلی‌زاده میرزایی (۱۳۹۶)، «مطالعه رابطه هویت‌گرایی محلی با کنش‌های انتخاباتی: بررسی انتخابات مجلس شورای اسلامی در لرستان»، *توسعه محلی روستایی - شهری (توسعه روستایی)*، دوره ۹، ش ۲.

فاضلی، محمد و غلامرضا خوشفر (۱۳۸۹)، «مشارکت سیاسی در استان گلستان»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره ۴، ش ۳، پیاپی ۱۱.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.

مرشدی‌زاده، علی (۱۳۷۹)، «بقا یا زوال قومیت در عصر جهانی شدن»، فصل‌نامه مطالعات ملی، س ۲، ش ۶.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، «سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان کردستان».

<https://www.amar.org.ir>

مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰)، *تحولات قومی در ایران*، علل و زمینه‌ها، تهران: صاحب کوثر.

رابطه نوع هویت قومی با رفتار سیاسی ... (حسین محمدزاده و نصراله ندیمی) ۱۴۹

محمدزاده، حسین (۱۳۹۰)، عوامل مرتبط با انواع قوم‌گرایی در میان کردهای ایران، رساله دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.

محمدزاده، حسین، محمدرضا شادرو، و جلال‌الدین رفیع‌فر (۱۳۹۱)، «عوامل اجتماعی مرتبط با قوم‌گرایی فرهنگی در میان کردهای ایران»، فصل‌نامه راه‌برد اجتماعی فرهنگی، س ۱، ش ۳.

محمدزاده، حسین و سعید خانی (۱۳۹۷)، «زمینه‌های تاریخی و اجتماعی مؤثر بر شکاف قومی در ایران»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۱۲، ش ۳.

معدنی سعید و عباس خسروانی (۱۳۹۰)، «عوامل مؤثر در جهت‌گیری ارزش‌های (مادی- فرامادی) دانشجویان دانشگاه آزاد واحد اراک در سال ۱۳۹۰»، فصل‌نامه مطالعات جامعه‌شناختی ایران، س ۱، ش ۳.

میرزایی، سیدآیت‌الله (۱۳۹۶)، «ناسیونالیسم و قومیت در ایران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، ش ۱.

نواح، عبدالرضا، نورالله قیصری، و سیدمجتبی تقوی‌نسب (۱۳۸۹)، «آسیب‌شناسی مسائل قومی در ایران، مطالعه موردی عرب‌های ساکن شهر اهواز»، فصل‌نامه علمی- پژوهشی تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ۳، ش ۳.

- Amanolahi, S. (2005), "A Note on Ethnicity and Ethnic Group in Iran", *Iran and Caucass*, vol: 9, no. 1.
- Elazar, D. J. (1966), *American Federalism: A View From the States*, New York: Thomas Y. Crowell Company.
- Ericson, T. H. (1993), *Ethnicity and Nationalism, Anthropological Prespective*, Pluto Press, London.
- Esman, Milton (1994), *Ethnic Polotics*, Ithaca: Coroneil University press.
- Fish, J. et al. (2021), "When the Personal Is Political: Ethnic Identity, Ally Identity, and Political Engagement among Indigenous People and People of Color", *Cultural Diversity and Ethnic Minority Psychology*, vol. 27, no. 1.
- Gaiser, W. and J. Rijike (2014), "Political Participation of Youth Young Germans in the European Context", *Asia Europe Journal*, Springer, vol. 5, no. 4.
- Henderson, A. (2007), "The Regionalization and Political Culture", [www. Cpsa, acsp.ca](http://www.Cpsa.acsp.ca).
- Icduyqu, A., D. Romano, and I. Sirkan (1999), "The Ethnic Question in an Environment of Insecurity", *Ethnic and Racial Studies*, vol. 22, no. 6.
- Ingelhart, R. and K. Wellsl (2010), *Modernization, Cultural Change and Democracy*, Translated by: Ahmadi. Tehran: Desert Publishing
- Inglehart, R. (2000), "Culture and Democracy", in: *Culture Matters: How Values Shape Human Progress*, L. E. Harrison and S. P. Huntington (eds.), New York: Basic Books.

- Lee Brown, Clara (2009), "Heritage Language and Ethnic Identity, A Case Study of Korean-American College Students", *International Journal of Multicultural Education*, vol. 11, no. 1.
- Minorities at Risk (2009), cod book version, 2/2009/Center for International Development and Conflict Manangement.
- Nandi, A. and A. Platt (2018), "The Rrelationship between Political and Ethnic Identity among UK Ethnic Minority and Majority Populations", *Journal of Ethnic and Migration Studies*, vol. 46, no. 5.
- Steinberg, A., S. David, and M. Stephan (2008), "Laissez Fear: Assessing the Impact of Government Involment in the Economy on Ethnic Violence", *International Studies Quarterly*, vol. 52.
- Zoellick, T. (2000), "Daniel Elazar, Bogus or Brilliant: A Study of Political Culture Across The American States", *Res Publica - Journal of Undergraduate Research*, vol. 5.